



بازیگران "بچه‌ها نگاه می‌کنند" برای رشد و تعالی یکدیگر تلاش کردند

میرطاهر مظلومی بازیگر نقش نادر در مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" ضمن تاکید بر این مسئله که جنس کمدی ناب، کمدی موقعیت است، گفت: در این سریال بازیگران مقابل یکدیگر همچون تئاتر برای رشد و تعالی یکدیگر تلاش کردند.

میرطاهر مظلومی بازیگر نقش نادر در مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" ضمن تاکید بر این مسئله که جنس کمدی ناب، کمدی موقعیت است، گفت: در این سریال بازیگران مقابل یکدیگر همچون تئاتر برای رشد و تعالی یکدیگر تلاش کردند.

به گزارش خبرنگار مهر، حمیدرضا صلاحمند کارگردان و میرطاهر مظلومی بازیگر مجموعه تلویزیونی "بچه‌ها نگاه می‌کنند" که ایام نوروز از شبکه دو روی آنتن رفت، در ادامه نشست اختصاصی خبرگزاری مهر درباره مقوله بازیگری و کارگردانی آثار طنز و جنس کمدی ناب صحبت کردند.

*خبرگزاری مهر - گروه فرهنگ و هنر: در مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" آیا پیش آمده بود بازیگری را انتخاب کنید، ولی نپذیرید؟

- حمیدرضا صلاحمند، کارگردان: بازیگرانی که برای پروژه دعوت شده بودند، لطف کردند و اظهار تمایل نشان دادند. البته پیش آمده بود که به دلیل مشکل مالی این اتفاق افتاده بود.

*فکر می‌کنید مجموعه‌های نوروزی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا مخاطب را بخنداند. با توجه به اینکه مردم هم سخت می‌خندند. در واقع به نظران چند درصد از خندانان مردم وظیفه بازیگر است و باید شیرینی لازم را داشته باشد؟ و چقدر به فیلمنامه مربوط است؟

- میرطاهر مظلومی، بازیگر: ما در مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" گروهی همنفس بودیم و همانطور که آقای صلاحمند اشاره کرد مجموعه‌ای از بازیگران تئاتر حضور داشتند. در تئاتر تداوم عینی است در سینما ذهنی. در تداوم عینی ریتم و ضرباهنگ خیلی خوب در بازیگر رسوب پیدا می‌کند و یکی از فاکتورهای کمدی ریتم است. استاد صلاحمند سابقه درخشانی دارد و فیلم "نیش زنبور" را ساخته که به نظر یک کمدی ناب بود.

جنس کمدی ناب قطعاً یک کمدی موقعیت است. در کمدی موقعیت باید خیلی از فاکتورها باید دست به دست هم بدهد. اگر ما در پس ذهن به هدف فکر کنیم، مسلماً در موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که حتی ناخودآگاه کمدی لازم از دل آن در می‌آید. در تئاتر مثال می‌زنم. صحنه‌هایی که ما با آقای سمندریان در تئاتر "ملاقات بانوی سالخورده" تمرین می‌کردیم در حدود 80 بازیگر بودیم که به قول آقای سمندریان اگر یکی از بازیگران نبود، باعث شکاف در صحنه می‌شد. هیچ کدام از بازیگران در صحنه نمی‌خندند، اما مخاطب از کمدی ناب لذت می‌برد، در حالی که ما خودمان متوجه نمی‌شدیم.

خلاقیت بازیگر، هدایت کارگردان، ریتم و متنی که تداوم داشته باشد در کار خیلی موثر است. اگر ما در مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" در گروه یک کار می‌کردیم، نمی‌دانستیم در گروه دو چه اتفاقی می‌افتد، به همین دلیل تداوم لازم است. یکی از فاکتورهای بازیگر کنترل است. همانطور که گفتم کمدی ناب کمدی موقعیت است. حال این کمدی موقعیت می‌تواند در یک سناریو اجتماعی، پلیسی یا در اوج تراژدی یک صحنه شکل پیدا کند، اما مهم این است که کمدی ناب باشد و دارای اجزای موقعیت باشد. این درسی است که استاد صلاحمند و اساتید دیگر به ما یاد دادند.

- صلاحمند: من خیلی اعتقاد ندارم که سریال در نوروز باید مردم را بخنداند. خندانن چیزی است که از ابتدای کار ما را گول می‌زند که البته این اتفاق بارها در سینمای بدنه افتاده است. مثلاً نویسنده سناریو را به تهیه‌کننده می‌دهد. او هم بعد از خواندن فیلمنامه آن را به همسرش، پسرش، برادرزاده‌اش و ... می‌دهد تا آنها هم بخندند. ممکن است نویسنده چند صحنه بی‌ربط خنده‌دار در فیلمنامه گذاشته باشد، ملاک تهیه‌کننده هم این است که مخاطب در چند جا خندیده است، ولی آنچه اهمیت دارد کاراکترپردازی است که باعث می‌شود خود مقوله مفرح شود.

مخاطب ممکن است در سینمای کمدی یا سینمای مفرح خیلی نخندد، اما حس خوبی به مخاطب می‌دهد. حال برای اینکه این اتفاق بیفتد باید شخصیت‌هایی شکل بدهیم که مخاطبان آنها را دوست داشته باشند و برایشان شیرین باشند. متأسفانه ما این چالش را با تهیه‌کنندگان داریم. در حقیقت باید بگویم مهم نیست که فقط یک دیالوگ مخاطب را بخنداند، بلکه باید مخاطب حس خوبی داشته باشد.

شاید همین گره در این نقطه باشد که بخشی از سریال‌های مناسبی ما هم به هجو کشیده شود. یعنی ما به جایی اینکه از عمق به سطح برسیم می‌خواهیم از سطح به عمق برسیم و از این نقطه شروع می‌شود که کار مناسبی سردستی می‌شود. تلویزیون فکر می‌کند که در یک کار طنز فقط یک قصه کافی است و بقیه‌اش را بازیگران انجام می‌دادند. مثلاً با قرار دادن یک قصه عشقی و دعوا تماشاگر می‌خندد. در نتیجه آن وقت جدی گرفته نمی‌شود، برای همین است که تلویزیون با مقوله طنز سردستی برخورد می‌کند، ولی بعد می‌بینیم که برای یک سریال درام، تراژدی و ... چند بار فیلمنامه را بالا و پایین می‌کند، جلسه می‌گذارد و ... همه این اتفاقات می‌افتد و بعد شروع می‌کند.

*طنز اجتماعی کجا جا می‌گیرد؟

- صلاحمند: مفهوم طنز اجتماعی برای سازندگان جا افتاده، اما برای سفارش‌دهندگان نه. طنز اجتماعی مقوله سختی است و فقط شامل حال سینمای ایران نمی‌شود، در سینمای دنیا هم سخت است. برای مثال طنزهایی که در نورثالیسم ایتالیا است، طنزی که در درون قصه است و حرکت می‌کند در حالی که اتفاقی که در قصه می‌افتد واقعیت اجتماعی است یا حتی اتفاقی نیست، بلکه یک جریان است که میان چند نفر پیش می‌رود و به نقطه‌ای می‌رسد و از درون آن طنز به وجود می‌آید. بنابراین مقوله طنز اجتماعی در نوشتن، اجرا و کارگردانی دشوار است.

*کمدی موقعیت در جامعه هنری ما خیلی مواقع اشتباه گرفته می‌شود و اتفاق‌سازی‌های پشت سر هم سیر منطقی ندارد. این مسئله در سینما و سریال‌ها خیلی اتفاق می‌افتد. به ویژه در سریال‌های طنز نود شبی. به نظرتان چرا این اتفاق می‌افتد؟

- مظلومی: آقای صلاحمند به نکته مهمی اشاره کرد اگر کاراکتر پازل به پازل یا آجر به آجر ساخته نشود و درست تعریف نشود، مسلماً اثر قوت لازم را ندارد، اما اگر درست تعریف شود آن موقع ادبیات به موجود زنده تبدیل می‌شود و در این صورت بازیگر هم تحلیل را درست در پس ذهن اجرا می‌کند. خصوصیات فیزیکی، نگاهش و ... تغییر می‌کند و با توجه به تعریف کاراکتر درست می‌شود.

مثلاً در کارهای هیچکاک وقتی دوربین از کنار یک روزنامه فروش هم می‌گذرد مخاطب فکر می‌کند ممکن است قاتل او باشد. این به خاطر این است که تعلیق‌ها درست از کار در آمده و بازیگر هم روی خودش کار می‌کند. همانطور که اشاره کردم ممکن است در اوج تراژدی هم کمدی پیش بیاید. بنابراین کمدی ناب به خیلی موارد بستگی دارد که گاهی ناخودآگاه در اجرا و در بستر قصه در می‌آید. هارمونی میان کاراکترها خیلی مهم است. در مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" بازیگران مقابل یکدیگر همچون تئاتر برای رشد و تعالی یکدیگر تلاش کردند. در پشت صحنه هم روابط عاطفی و انسانی زیبایی حاکم بود و در نوع نگاه‌ها حلول می‌کرد.

*آقای صلاحمند با توجه به اینکه برای ضبط مجموعه "بچه‌ها نگاه می‌کنند" دو گروه شده بودید. چقدر به دستیاران اعتماد داشتید که این کار را به او سپردید؟ آیا فرصتی برای رساندن به موقع این پروژه نداشتید که این کار را انجام دادید؟

- صلاحمند: مسلماً چون فرصت نداشتیم، این کار را کردم. ما بعد از گذشت یک مدت از تصویربرداری دو گروه تشکیل دادیم. در واقع یک مدت با هم کار کردیم تا برای کاراکترها به توافق لازم برسیم و خط اصلی بازی‌ها را به دست آوریم، چرا که تن صدا، حرکات و ... در هر بازیگر با توجه به کاراکتری که ایفا می‌کرد، متفاوت بود. مثلاً نوع حرکات آقای مظلومی به دلیل اینکه کشتی کج کار می‌کرد باید کمی فانتزی می‌شد یا حرکات آقای هاشمی به سینمای صامت باید نزدیک می‌شد یا آقای صفری کاراکتر چند گانه را باید بازی می‌کرد. این مسئله در بازیگران خانم هم صدق پیدا می‌کرد. باید به نقطه مشترک می‌رسیدم و بعد دو گروه می‌شدیم.

علاوه بر آن از همان ابتدا برای دستیارم تمام توضیحات را برای پلان و نوع دکوپاژ می‌گفتم. در نتیجه با تکیه بر دانش بازیگران این کار را انجام دادیم و دو گروه شدیم. البته مدیر تصویربرداری اصلی پروژه هم با دستیارم بود و مرتب با هم ارتباط داشتیم. خودم هم با دستیار تصویربردار کار می‌کردم، چون من سال‌ها با مرحوم نعمت حقیقی کار کردم و از او آموختم، به همین دلیل مشکلی نبود و با دستیار تصویربردار کار می‌کردم.

گفتگو: فاطمه عودباشی، الهام نداف